

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۷ جون ۲۰۲۱

موج جدید اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز ایران!

مقدمه

اعتصاب گسترده کارگران صنعت نفت ایران، امروز شنبه ۵ تیر ۱۴۰۰ - ۲۶ جون ۲۰۲۱، وارد هشتمین روز شده است.

اعتصاب کارگران نفت تمام توجه‌ها را به خود جلب کرده است. پیمانکاران کارگران روزمزد را اخراج کرده‌اند. یک نمونه خبرساز آن اخراج ۷۰۰ کارگر در پالایشگاه نفت تهران است. اعتصاب سراسری است و باید در برابر هر گونه تعرضی به کارگران اخراجی ایستاد. اخراج ۷۰۰ کارگر باید فوراً لغو شود. بر اساس گزارش‌های خبرگزاری‌های فارسی‌زبان داخلی ایران و بین‌المللی، کارگران پیمانکاری صنایع نفت و گاز و سایر بخش‌های کارگری، دور دیگری از اعتصابات هماهنگ و متحدانه را آغاز کرده‌اند.

خواسته کارگران پیمانی پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در این اعتصابات «افزایش دستمزد به ۱۲ میلیون تومان در ماه» و «تغییر نوبت مرخصی به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی» است. در حال حاضر، آنها در ازای ۲۴ روز کار، از ۶ روز مرخصی برخوردار می‌شوند.

به گفته شورای سازماندهی اعتراض‌های کارگران پیمانی، مطالبات دیگری هم مطرح هستند، از جمله این‌که «دستمزدها به موقع پرداخت شوند، دست پیمانکاران از صنعت نفت کوتاه شود، و اخراج کارگران و قوانین برده‌وار مناطق آزاد اقتصادی لغو شوند».

«رعایت استانداردهای بهداشتی، محیط‌زیستی و ایمنی محیط کار، بالا بردن استانداردهای بهداشتی خوابگاه‌ها و سرویس‌های بهداشتی، پایان دادن به امنیتی‌سازی محیط‌های کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکلیابی، برگزاری تجمع و اعتراض کارگران» از دیگر مطالباتی هستند که شورای سازماندهی اعتراض‌های کارگران پیمانی نفت، اعلام کرده است.

کارگران پیمانکاری، پروژه‌ای و روزمزد صنعت نفت، گاز و پتروشیمی در تابستان‌های ۵ سال گذشته، کمپین‌هایی را برای بهبود شرایط صنفی خود به راه انداخته‌اند اما این دومین اعتصاب گسترده آنان در کمتر از یک سال گذشته است. اعتصاب کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای نفت، دومین مورد از اعتراض گسترده آنان در کمتر از یک سال گذشته است.

شورای سازماندهی اعتراض‌های کارگران پیمانی نفت اعلام کرده که اعتصاب کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای، «یک اعتصاب خطراتی است ... و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده‌اند، خواهیم پیوست.»

در کنار اعتصاب‌های کارگران پیمانکاری، پروژه‌ای و روزمزد، کارکنان رسمی پالایشگاه آبادان نیز روز چهارشنبه دوم تیر، در اعتراض به نحوه افزایش دستمزدها و دریافت مالیات مضاعف، اعتصاب و تجمع کردند.



تأثیر این اعتصاب در حاکمیت و جامعه

در واکنش به این اعتصابات و در اقدامی که جهت ترساندن کارگران شمرده شد، پالایشگاه تهران ۷۰۰ نفر از کارگران معترض به وضعیت معیشت خود را بدون هیچ توضیحی اخراج کرد. کارگران این پالایشگاه با انتشار ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی «برگه اخراج» خود را منتشر کرده و همزمان خواستار «حمایت مردم ایران از حرکت اعتراضی» خویش شدند.

کارفرمای پالایشگاه با این کار قصد دارد تا کارگران را وادار به پایان اعتصاب نماید. اما کارگران اعتصابی با اتحاد خود می‌توانند به خواسته و مطالبات خود تحقق بخشند. کارگران پیمانی پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها با خواست افزایش دستمزد و تغییر نوبت مرخصی دست به اعتصاب سراسری زده‌اند.

به گزارش خبرگزاری، روز چهارشنبه ۲ تیرماه ۱۴۰۰، در ادامه اعتراضات روزهای اخیر کارگران پیمانی شماری از شرکت‌های وابسته به صنایع نفت، پتروشیمی و نیروگاه‌ها در راستای حمایت از «کمپین بیست ده ۱۴۰۰»، اعتصاب کرده و دست از کار کشیدند.

از میان این شرکت‌ها می‌توان به کارگران صنایع نفت و پتروشیمی ایران، کارگران شرکت‌های مبین صنعت و رازان شاغل در پالایشگاه آدیش، کارگران روزمزد شرکت پالایش نفت تهران، کارگران پروژه مخازن نفتی منطقه کوه مبارک شهرستان جاسک، کارگران پیمانکاری شرکت کیهان پارس شاغل در پالایشگاه اصفهان، کارگران شرکت تهران جنوب در بندرماهشهر، کارگران شرکت پتروساز شاغل در شرکت نفت بندرعباس، کارگران پروژه‌ای پتروشیمی دماوند، کارگران پتروشیمی گچساران و همچنین کارگران پروژه‌ای و پیمانکاری صنعت نفت عسلویه اشاره کرد. در جریان این موضوع، ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد مسؤولان پالایشگاه نفت تهران در واکنش به اعتصاب کارگران اقدام به توزیع فرم «تسویه حساب» و «اخراج از محل کار» در میان ۷۰۰ کارگر این پالایشگاه کرده‌اند.

منابع خبری و شبکه‌های اجتماعی در ایران پنجشنبه ۳ تیر، گزارش دادند که «کارگران پروژه‌ای» شرکت دیپلیم در عسلویه، همگام با دیگران همکاران خود در صنایع نفت و پالایشگاهی، وارد اعتصاب شدند.

همزمان، کارگران کنسرسیوم «پروژه بیدبلند» بهبهان هم به اعتصاب سراسری کارگران پیوستند. کارگران این پروژه نیز به عدم پرداخت به‌موقع حقوق و ناهمسازی دستمزدها و مزایا اعتراض دارند.

روز چهارشنبه کارگران پالایشگاه ماهشهر، کارکنان نیروگاه رامین اهواز، شرکت ستاره نفت دماوند، نیروگاه بوستان و عسلویه، شرکت اندیکای صنعت آسیا، پارس کیهان و کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران به اعتصاب سراسری کارگران پیوستند.

در همین راستا، کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه با صدور بیانیه‌ای، از اعتصاب سراسری جاری کارگران کشور اعلام حمایت کردند. کارگران این شرکت برای چند سال، با فرآیند واگذاری غیر اصولی و مغایر با تمام معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی کار به بخش خصوصی «رانت‌خوار» مخالفت می‌کنند و خواهان مدیریت و نظارت شورایی کارگران هستند. آن‌ها طی سال‌های گذشته، با شدیدترین فشارهای زندگی، زندان و اخراج از سوی نظام جمهوری اسلامی مواجه بودند.

کارگران این شرکت برای چند سال با فرآیند واگذاری غیر اصولی این مجموعه عظیم به بخش خصوصی مخالفت کرده و خواهان مدیریت و نظارت شورایی کارگران هستند.

کارگران پیمانی پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها با خواسته «افزایش حقوق به ۱۲ میلیون تومان در ماه» و «تغییر نوبت مرخصی به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی» دست به اعتصاب زدند.

از دیگر خواسته‌های کارگران می‌توان به پرداخت به‌موقع دستمزدها، کوتاه‌کردن دست پیمان‌کاران از صنعت نفت، توقف اخراج دلبخواهی و بدون ضابطه کارگران و لغو قوانین «برده‌داری» در مناطق آزاد اقتصادی نام برد.

شورای سازماندهی اعتراض‌های کارگران پیمانی صنعت نفت ایران همچنین رعایت استانداردهای بهداشتی، محیط‌زیستی و ایمنی محیط کار، بالا بردن استانداردهای بهداشتی خوابگاه‌ها و سرویس‌های بهداشتی، پایان‌دادن به فضای امنیتی محیط‌های کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکلیابی، برگزاری تجمع و اعتراض کارگران را از دیگر مطالبات کارگران برشمرده است.

در تجمع کارگران صنعت نفت علیه زنگنه، وزیر نفت ایران شعار «زنگنه، تنگت باد» سر داده شد.

در ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی و یوتیوب منتشر شده، کارگران بسیاری از مراکز از جمله پالایشگاه تهران، آبادان، قشم، پتروشیمی بوشهر، پالایشگاه بیدبلند بهبهان، عسلویه و پتروشیمی گچساران در حال اعتصاب و طرح خواست‌های‌شان دیده می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، کارگران پیمان‌کاری عسلویه روز سه‌شنبه اول تیر در برخی از فازها دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آن‌ها به شرایط نامناسب شغلی است. آن‌ها خواسته‌اند که پیمان‌کاران از تمام شرکت‌های نفتی حذف شوند و قانون کار یکسان- مزد یکسان در تمام پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و صنایع نفت و گاز اجرایی شود.

از جمله مطالبات آن‌ها این است که «همه پرسنل باید از سطح یکسان حقوق و دستمزد و مزایای مزدی برخوردار باشند و امکانات رفاهی برای همه به یکسان موجود باشد.»

آن‌ها همچنین گفته‌اند که با توجه به وخامت اوضاع کرونا، کارگران پیمان‌کاری در بدترین شرایط ممکن هستند و در معرض ابتلا قرار دارند. به گزارش ایلنا، پروتکل‌های ایمنی و بهداشتی در کانکس‌های استراحت، محل سرو غذا و سرویس‌های رفت و آمد در سطحی کاملاً پایین اجرا می‌شود و کارگران به سادگی آلوده می‌شوند.

این خبرگزاری می‌افزاید، کارگران پیمان‌کاری نفت، بیش از یک هفته است که با ایجاد هشتگ «نه به پیمان‌کاران» خواستار حذف شرکت‌های واسطه در صنایع نفت و گاز کشور شده‌اند.

خبرگزاری رکنا نیز فیلم اعتصاب سراسری کارگران نفت و پتروشیمی منتشر کرده و نوشته است که کارگران صنعت نفت در شهرهای مختلف ایران در اعتراض به پایین بودن حقوق خود و شرایط کاری بد دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند.

بنا بر برخی خبرهای نهادهای کارگری، این حرکت اعتراضی به دنبال فراخوانی که پیش‌تر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت داده بود، شکل گرفته است.

در یکی از فیلم‌ها یک کارگر رو به دوربین می‌گوید: «ما به حقوق‌هایمان اعتراض کردیم اما به جایش برگه تسویه دست ما دادند که ما را اخراج کنند. یکی از دولت و مردم بیاید از ما حمایت کند.»

فیلمی منتشر شده که در آن یکی از کارگران پالایشگاه اصفهان می‌گوید همکارانش «در حال جمع کردن وسایل» هستند که از پالایشگاه خارج شوند.

از تابستان پارسال این دومین اعتصاب گسترده کارگران صنایع نفت و پتروشیمی در ایران است. مردادماه سال گذشته اعتصاب گسترده دیگری در سراسر ایران شکل گرفت.



علاوه بر آن کارگران از شرایط ایمنی و بهداشتی خود مخصوصاً در زمان شیوع کرونا انتقاد دارند و می‌گویند در خوابگاه‌های کارگری بدون رعایت فاصله اجتماعی مجبور به زندگی هستند.

یکی از کارگران حاضر در ویدیویی گفته بود: «ما به سطح دستمزد پایین و حقوق دریافتی خود اعتراض کردیم اما به جایش برگه تسویه حساب به ما دادند و می‌خواهند که ما را از محل کار خود اخراج کنند. یک نفر از طرف دولت و یا ملت بیاید و ما کارگران را حمایت کند.»

همزمان فریدون حسنوند، رئیس کمیسیون انرژی مجلس، از تشکیل «نشست فوق‌العاده» با حضور مسؤولان وزارت نفت و «نهادهای نظارتی» برای بررسی مشکلات کارگران خبر داد. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته است که یکشنبه آینده در کمیسیون تلفیق «با حضور وزیر نفت، مدیرعامل شرکت ملی نفت و مسؤولان دستگاه‌های نظارتی از قبیل دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور، این مسئله را بررسی خواهیم کرد و این اطمینان را به کارگران و متخصصان تلاشگر صنعت نفت می‌دهیم که کمیسیون انرژی با درک شرایط، به دنبال احقاق حق آنهاست و راهکارهای قانونی را برای رفع نگرانی آن‌ها به کار می‌بندد.»

کارگران از روز شنبه ۲۹ خردادماه، جهت دست یافتن به مطالبات خود کمپینی را تحت عنوان «تخلیه سراسری بیست ده ۱۴۰۰» راه‌اندازی کردند و این کمپین رفته‌رفته به شهرهای مختلف کشور کشیده شد. به گفته فعالان کارگری، تاکنون کارکنان بیش از ۲۰ پیمان‌کار خصوصی به آن پیوسته‌اند. اصلی‌ترین خواسته کارگران معترض، افزایش دستمزد و امکان بهرمندی از ۱۰ روز مرخصی در ازای بیست روز کار و فعالیت است. در حال حاضر بسیاری از

کارگران پیمانی در ازای ۲۴ روز کار در ماه، تنها شش روز مرخصی دارند و این امر در برخی از شرکت‌ها کمتر نیز است. افزون بر این، کارگران از شرایط ایمنی و بهداشتی خود به ویژه در زمان شیوع ویروس کرونا ناراضی هستند و معتقدند در خوابگاه‌های کارگری بدون رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی مجبور به سکونت هستند.

مطابق تصاویر و گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دامنه این اعتصابات به سراسر کشور گسترش یافته و به پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، مخازن نفت و سکوها نفتی در تهران، کنگان، ماهشهر، اراک، قشم، خارک، بهبهان، گچساران، بوشهر، آبادان و اصفهان هم کشیده شده است.

ابعاد و جغرافیای اعتصابات سراسری کارگران روزبه‌روز وسیع‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. کارگران شرکت ارتباط فجر جمعه ۴ تیر نیز از کار دست کشیده و به اعتصابات پیوستند.

بنا به گزارش‌ها، اعتصابات سراسری کارگران پیمانی پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها، دست‌کم به ۵ شهر دیگر نیز گسترش پیدا کرده است.

بر اساس تصاویر و ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌اند، کارگران پروژه‌ای شرکت دی پلیمر شاغل در صنایع پتروشیمی‌های عسلویه، کارگران پیمان‌کاری فولاد بوتیا در کرمان، کارگران پیمان‌کاری شرکت سازه فرافن قشم، کارگران بخش برق و ابزار دقیق بهین پالایش قشم، کارگران نیروگاه مینا ۳ قشم و کارگران پیمان‌کاری نیروگاه سیکل ترکیبی واقع در ارومیه، به این اعتصاب پیوستند.

اعتصاب کارگران صنایع نفت و پتروشیمی برای افزایش دستمزدها و کاهش روزهای کاری از روز ۲۹ خردادماه آغاز شده است و امروز نیز در نقاط مختلف کشور برگزار شده است.

کارگران پیمانی اعتصابی طی بیانیه‌ای اعلام کردند: «ما کارگران پیمانی نفت در پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها در اعتراض به سطح نازل حقوق و کاهش هر روزه قدرت خرید خود و عدم اجرای وعده‌های داده شده همان‌طور که اعلام کرده بودیم اعتصابات گسترده و سراسری خود را از سر می‌گیریم و با تجمع در مقابل مراکز کاری‌مان پیگیر مطالبات خود می‌شویم.»

در این بیانیه تاکید شده است: «اعتصاب ما یک اعتصاب خطراتی است و یک هفته در جریان خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده‌اند خواهیم پیوست.»

فدراسیون جهانی پتروشیمی در حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اطلاعیه‌ای صادر کرد. مشاور دبیرکل این کنفدراسیون در این اطلاعیه گفته است: «همکاران ایرانی ما یکبار دیگر نشان دادند که در مقابله با سرکوب چه شجاعتی دارند و با عمل دسته‌جمعی خود، از خود و مطالبات‌شان دفاع می‌کنند تا شرایط کار و زندگی‌شان بهتر گردد.» مطالبه اصلی کارگران، «افزایش دستمزد و پرداخت حقوق معوقه»، «حذف شرکت‌های پیمان‌کاری واسطه» و «امنیت شغلی در محیط کار» عنوان شده است.

شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز در بیانیه‌ای اعلام کرده که کارگران پیمانی پس از اعتصابی یک هفته‌ای با هدف اخطار، از روز نهم تیر ماه به اعتصاب و اعتراض کارکنان رسمی نفت می‌پیوندند.

نهادهای فعال در حوزه حقوق کارگران در حساب‌های تلگرام خبر داده‌اند که جوش‌کاران شرکت اکسیر صنعت، کارگران پیمانی شرکت ساتراپ، و کارگران شرکت پایندان شاغل در فاز ۱۴ عسلویه نیز به اعتصاب پیوسته‌اند.

اعتراضات و اعتصابات کارگری که در دهه‌های گذشته کمتر سابقه داشت، از سال ۱۳۹۹ به یک باره افزایش پیدا کرد و تنها شامل کارگران پیمانی، پروژه‌ای و قرارداد موقت تحت کارفرمایان خصوصی نبود، بلکه این اعتراضات در

ماه‌های گذشته به کارمندان و کارگران رسمی و بالادست بخش عملیاتی وزارت نفت هم گسترش یافت. البته شدت این اعتراضات و گستردگی آن‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون، افزون‌تر از حجم اعتراضات در سال گذشته بوده است. مزدبگیران صنعت نفت تقریباً در تمامی اعتراضات یک سال گذشته خود خواسته‌های مشابهی داشته‌اند، همواره به اجرایی نشدن بندهای معیشتی ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات نفت معترض بوده‌اند. همچنین بسیاری از کارگران و کارمندان صنعت نفت با تصویب ماده (۱) جزء الف تبصره ۱۲ قانون بودجه کل کشور توسط مجلس شورای اسلامی در سال جدید با تعیین سقف و کسوراتی که در حقوق‌شان اعمال شده، حتی برای برخی از آن‌ها عملاً حقوق نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. حالا اما کارگران صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور وارد اعتراضات گسترده‌تری شده‌اند.

کارگران پروژه‌ای و پیمانی صنعت نفت ایران، در این اعتراضات طرف حساب خود را پیمان‌کاران نفتی و شرکت‌های پیمان‌کاری تامین نیروی انسانی می‌دانند. این کارگران و مهندسان متخصص، توانمند و متعهد که بار اصلی صنعت نفت ایران نیز بر دوش آنان است، می‌گویند با ورود پیمان‌کاران مدت‌هاست چیزی به نام امنیت شغلی ندارد و از قرارداد دائم کار محروم هستند. از سوی دیگر نیز با تبعیض مزدی شدیدی روبه‌رو شده‌اند. این کارگران در تابستان سال گذشته نیز دست به اعتراضات مشابهی زده بودند که در رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته و توجه شد، اما همان اعتراضات موجب شد که بتوانند با پیمان‌کاران چانه‌زنی کنند و دستمزدهای خود را تا حد قابل قبولی بهبود بخشند.

در میان اظهارات کارگران معترض می‌توان به چند نکته کلیدی اشاره کرد که مهم‌ترین آن عدم قاعده‌مندی افزایش مزد سالانه توسط پیمان‌کاران است که در برخی موارد شنیده شده است با پیشنهادهایی در حد ۵ درصد افزایش مزد سالانه سراغ کارگرانی رفته‌اند که امنیت شغلی ندارند و در صورت عدم پذیرش دستمزد تحمیلی پیمان‌کاران، به راحتی ممکن است شغل خود را از دست دهند. آن‌ها همچنین به مسأله تعطیلات و تعداد روزهای اشتغال در ماه نیز معترضند و خواهان آن هستند تا مانند هم‌تایان‌شان که تحت قرارداد پیمان‌کاران نیستند، حداکثر ۲۰ روز در ماه به عنوان روز کاری مشغول خدمت باشند. مسأله شرایط نامناسب و محل اسکان کارگران، کمپ‌ها و کانکس‌هایی که در شان کارکنان صنعت پتروشیران اقتصاد کشور نیست هم از دیگر مطالبات کارگران صنعت نفت است که بالادست در زمان شیوع بیماری کوید ۱۹، باعث تهدید وضعیت سلامت همه کارگران و کارکنان و به تبع آن خانواده‌های آنان شده است.

آن‌گونه که خبرگزاری «ایسنا» گزارش کرده، معترضان می‌گویند در حالی که شاغلان رسمی وزارت نفت حداقل ۱۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند، شاغلان مدت موقت هم رده‌شان تنها حدود ۴ میلیون تومان دریافتی دارند.

البته به نظر می‌رسد برخوردهای برخی از پیمان‌کاران در برابر این اعتراضات مسالمت‌آمیز تهدید به اخراج و پخش کردن فرم تسویه حساب در میان کارگران بوده است. اتفاقی که فیلم آن توسط کارگران پالایشگاه نفت تهران منتشر شد و در بسیاری از خبرگزاری‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی هم بازتاب گسترده‌ای داشت. در شرایطی که وضعیت معیشتی و امنیت شغلی کارگران در مهم‌ترین صنعت کشور، شرایط را به گونه‌ای رقم زده که چاره دیگری جز اعتراض و اعتصاب و طرح مستقیم خواسته‌های صنفی خود ندارند. کارگرانی که در شعارهای خود خواهان اجرای عدالت برای خود و همکاران‌شان هستند و در غیاب نمایندگان و تشکل‌های واقعی که بتوانند با طرح مسائل اساسی، این صنعت گران را نمایندگی کنند، باید جدی گرفته شوند و مورد حمایت سایر بخش‌های کارگری و حتی جنبش‌های حق‌طلب و آزادی‌خواه دیگر قرار گیرند.

پیدایش نفت در خوزستان

پس از پیدایش نفت در خوزستان در اوایل قرن بیستم، این منطقه را تحت تاثیر قرار داد و ارکان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دچار تغییر و تحولات شدیدی شد، با رونق گرفتن عملیات اکتشاف، استخراج و صدور و مصرف نفت در کشور، خوزستان به مهم‌ترین بخش سیاسی و اقتصادی کشور تبدیل شد و شهر اهواز از لحاظ سیاسی و اقتصادی و همچنین صنعتی و نظامی جایگاه مهمی به دست آورد.

تاریخچه اعتصاب و اعتراض در وزارت نفت یک ساله و ۴۲ ساله نیست، بلکه به اندازه تاریخ این صنعت در ایران سابقه وجود دارد.

کارگران و کارکنان قدیمی وزارت نفت ایران می‌گویند: «کارمندی نفت در نهایت در هر کجا از فلات قاره گرفته تا مناطق نفت‌خیز شمال و جنوب، پالایشگاه تا پتروشیمی، از آبادان تا ماهشهر و عسلویه و از سرخس تا تبریز و تهران و کرمانشاه، از بیابان‌های اطراف اهواز تا سنگلاخ‌های بی‌بی حکیمه و گچساران، همچون بردن بلیت بخت‌آزمایی برای رسیدن به درباری جهنم است.»

در شرایط فلاکت‌بار معیشت در ایران، بدون تردید اگر صنایع صنعت نفت، بهشتی برای حاکمیت‌ها بوده است؛ اما برای شهروندان و کارگران و کارکنان این منطقه، آلودگی، فرسودگی و نابرابری و چنان فلاکت‌بار بوده است که حاصلش هزاران بازنشستگی زودتر از موعد، مرگ پیش از بازنشستگی، ترک کار با وجود همه مشکلات و ابتلا به بیماری‌های مختلف از تنگی نفس تا انواع سرطان و عوارض ناشی از استرس شغلی و صدها مورد دیگر است.

بر این اساس سازمان وزارت نفت، گلوگاه ثروت اقتصاد ایران است، یک طرفش در دست شرکت‌های خارجی و حاکمیت و دست دیگرش بورس‌بازان رانتی و بخش خصوصی و پیمان‌کاران و... است. در این میان، ده‌ها هزار نفر از کارگران و کارکنان رسمی، قرارداد معین، پیمان‌کار، حجمی، روزمزد و... که نه امنیت شغلی، نه مالی، نه سلامت و نه امنیت روانی‌شان تامین است، به ناچار هر چند وقت یک بار برای گرفتن حقوق خود اعتصاب می‌کنند.

اولین مسأله در مورد پیدایش نفت، بروز تغییر و تحولات اجتماعی ناشی از به وجود آمدن فرصت‌های شغلی، تولید و کسب و کار برای مردم منطقه بود به طوری که نیمی از جمعیت شهرهای مرتبط با صنعت نفت را کسبه، بازرگانان، پیمان‌کاران و کارگران تشکیل می‌دادند.

توسعه خوزستان که با هدف تامین منافع دولت بریتانیا و در جهت استفاده از ذخایر نفتی و غارت منابع این منطقه صورت می‌گرفت، باعث شد تا حکومت پهلوی به خصوص شخص رضاشاه تلاش‌های جدی و عظیمی را برای تبدیل خوزستان به منطقه‌ای امن و با ثبات برای شرکت انگلیس و ایران به عمل آورد.

حکومت پهلوی پس از روی کار آمدن رضاخان، بیش از سایر نقاط کشور به خوزستان توجه داشت، زیرا اهمیت مسأله نفت و نقش روزافزون این ماده حیاتی را درک کرده و به آن بهای لازم را می‌داد تا بتواند نظر دولت انگلیس را در حمایت همه‌جانبه از حاکمیت خود جلب کند.

یکی دیگر از اقدام‌هایی که در این دوره انجام شد، تغییر نام‌ها در خوزستان و خصوصاً شهر اهواز بود، در سال ۱۳۰۳ مرکزیت خوزستان رسماً از شوشتر به اهواز منتقل شد و این مسأله با توجه به نقش جدید نفت در معادلات اقتصادی و سیاسی منطقه صورت گرفت، زیرا اهواز به طور طبیعی در مرکز مناطق نفتی واقع شده و این مسأله موجب می‌شد میان شمالی‌ترین و جنوبی‌ترین نقاط خوزستان ارتباط گسترده‌ای برقرار شود.

پس از این‌که اهواز به عنوان مرکز خوزستان اعلام شد، شهر با تحولات بزرگی مواجه شد که این تحولات در ابتدا با تغییر نام آغاز شد، در شهریور ۱۳۱۴ شهر «ناصری» با یک بخش‌نامه رسمی از طرف هیئت وزیران به

اهواز تغییر نام داد و اهواز رسماً در عرصه جغرافیای طبیعی ایران متولد شد، بلافاصله بخش‌نامه دیگری در خصوص تغییر نام مناطق درون شهر اهواز از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه صادر و همگان را به پیروی از مصوبه و دستور رییس الوزراء ملزم کرد، به عنوان مثال نام خز علیّه (نام حاکم پیشین ناصریه) در اهواز به خرم کوشک تغییر یافت.

شرکت نفت به منظور توسعه مراکز و فعالیت‌های خود به تدریج چاه‌های نفت متعدد و مرکز تصفیه و پالایش نفت و گاز را در اهواز و حومه آن احداث کرد و جویندگان کار از سراسر استان و کشور روانه این شهر شدند، فرصت‌های شغلی فراوان پدید آمد و وضع اقتصادی و معیشتی مردم رونق گرفت، اما به دنبال تحولات مثبت، آثار و تبعات منفی نیز در شهر به وجود آمد که از جمله می‌توان به کم‌رنگ شدن فعالیت‌های اقتصادی دیگر مانند کشاورزی و تجارت که از دیرباز در اهواز ریشه داشت، اشاره کرد.

در سال ۱۳۱۷ و در شرایطی که هنوز در بسیاری از مناطق اصلی و مرکزی کشور حتی از جاده‌های اصلی و خطوط مواصلاتی خبری نبود، فرودگاه اهواز توسط شرکت نفت احداث شد که این موضوع توجه حکومت پهلوی به اهواز جهت اجرایی کردن سیاست‌های دولت انگلیس را به اثبات می‌رساند.

در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ بعد از مدت‌ها مبارزه و مذاکره سیاسی، سرانجام قانون ملی شدن نفت از تصویب مجلس شورای ملی و سنای ایران گذشت و پس از ۵۰ سال نفت ایران ملی شد، در این شرایط بود که تاسیسات نفتی به دست ایرانیان افتاد و ملت ایران بر مقدرات نفتی خود مسلط شد، این مسأله برای دولت انگلیس که ۵۰ سال نفت این کشور را به یغما می‌برد، هرگز قابل تحمل نبود و به همین دلیل از فردای ملی شدن صنعت نفت در ایران، مشکلات ملت و کشور آغاز و اختلافات سیاسی، دشمنی احزاب و گروه‌ها با یکدیگر، جاسوسی و تخریب فضای کشور به نفع دولت‌های استعماری انگلیس و آمریکا به جریان رایج کشور تبدیل شد.

در سال‌های آخر حکومت پهلوی نیز صنعت نفت و کارکنان این صنعت نقش مهمی در تحولات سیاسی منطقه داشتند، ضربان مردم انقلابی ایران که یکی پس از دیگری بر پیکر حکومت پهلوی وارد می‌آمد، اما بعضی از این ضربات مهلک‌تر و کاری‌تر بود، اعتصاب‌های نفتی از جمله این ضربات مهلک و متلاشی‌کننده بود، این اعتصاب‌ها پس از کشتار ۱۷ شهریور ۵۷ آغاز شد.

از آنجایی که نفت مهم‌ترین منبع درآمد و محصول صادراتی حکومت پهلوی به شمار می‌آمد، بروز بحران داخلی در کشور قیمت نفت را افزایش داده بود، این روند در روز ۱۸ شهریور با حرکت انقلابی کارگران و کارکنان صنعت نفت کشور کاملاً انقلابیون تغییر کرد و توازن قوای سابق را به هم زد.

یک روز بعد از روز معروف به «جمعه سیاه»، صدها نفر از کارگران پالایشگاه تهران اعتصاب کردند و دو روز بعد نیز در دیگر شهرها، از جمله در آبادان شاهد اعتصاب کارگران صنعت نفت بودیم، مهم‌ترین حرکت کارگران و کارکنان صنعت نفت زمانی اتفاق افتاد که اعتصاب کارکنان نفت در اهواز و آبادان اتفاق افتاد و برای نخستین بار کارگران میدان‌های نفتی اهواز که بزرگترین میدان نفتی کشور را زیر پوشش قرار می‌داد، تصمیم به اعتصاب گرفتند.

در گان نخست کارگران روزمزد اعتصاب کردند اما چند روز بعد با اعتصاب کارگران و کارکنان پالایشگاه آبادان، اعتصاب صنعت نفت شکل وسیع‌تری به خود گرفت و هم‌زمان در هفتم مهرماه، تمام کارکنان میدان‌های نفتی اهواز به اعتصاب پیوستند، روز چهارشنبه، ۲۶ مهرماه کارمندان صنعت نفت با صدور قطعنامه‌ای خواستار برکناری سرتیپ

کلیائی، رییس گارد صنعت نفت و تنبیه مأموران انتظامی و امنیتی که روز شنبه وارد پالایشگاه شده و به کارگران و کارکنان اهانت کرده بودند، شدند.

روز ۲۹ مهر سال ۱۳۵۷، هوشنگ انصاری، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران به خوزستان وارد شد و پس از حضور در پالایشگاه آبادان و طی یک سخنرانی فریبنده که در آن خود را نماینده کارگران معرفی کرد، از کارگران خواست برای مذاکره آماده شوند، پس از انجام مذاکرات، نمایندگان کارگران اعتصابی اعلام کردند که در مذاکرات با انصاری به توافق نرسیده‌اند.

اعتصابیون ۵۴ خواسته داشتند. مذاکره انصاری با آن‌ها به شکست انجامید، از جمله این درخواست‌ها، لغو حکومت نظامی در سراسر کشور، آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، بازگشت تبعید شدگان، مجازات عاملان کشتارهای اخیر در شهرها و عدم دخالت مأموران انتظامی و ساواک در کار شرکت نفت بود. سرانجام در روز ۶ آبان ۱۳۵۷ در اهواز، کارمندان ویژه خدمات شرکت ملی نفت ایران که همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دادند، در بیانیه‌ای ضمن همبستگی با فرهنگیان اعلام کردند که درخواست‌های آن‌ها به هیچ وجه جنبه رفاهی ندارد.

اعتصاب نفت به سرعت به مسأله اول کشور و بزرگترین بحران حکومت پهلوی تبدیل شد، حمایت‌های گسترده سیاسی سایر اқشار، تشکله‌ها و مجامع صنفی و سیاسی، اهمیت این فرایند را دو چندان کرد، در همین راستا جامعه روحانیت کشور در اطلاعیه‌ای پشتیبانی کامل و قاطع خود از این اعتصاب را اعلام کرد.

در روز نهم آبان ماه ۱۳۵۷، به دلیل گستردگی و اهمیت اعتصاب‌ها در صنایع نفتی، رژیم مجبور به واکنش شدید شد و با استقرار واحدهایی از ارتش، اکثر مراکز نفتی و پالایشگاه‌ها را به اشغال خود درآورد، رژیم در توجیه این اقدام خود بیانیه‌ای صادر کرد و در آن این‌گونه توضیح داد که: چون بعضی از خرابکاران در نظر داشتند که بخش‌هایی از تاسیسات نفتی خوزستان را از کار ببندازند، بنابراین برای جلوگیری از خرابکاری و حفاظت از کارکنان و تاسیسات نفتی، نیروهای نظامی در این تاسیسات مستقر شدند.

در پاسخ به اشغال مناطق نفتی و واحدهای تولیدی استخراج و پالایشگاه نفت توسط نیروهای نظامی، التهاب و تنش در خوزستان و شهر اهواز بالا گرفت، صدها تن از کارگران و کارمندان صنعت نفت که در اعتصاب به سر می‌بردند، در محل نیوساید اهواز که مرکزیت اداری و ستادی نفت در آنجا مستقر بود، اجتماع کردند، در این اجتماع، رؤوفی رئیس تولید صنعت نفت در جنوب، به مذاکره با اعتصابیون پرداخت که به نتیجه نرسید.

بلافاصله پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات اعتصابیون نفت اهواز با مقام‌های شرکت نفت، در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۵۷ کارگران و کارکنان صنعت نفت اهواز در تداوم اعتراض‌های خود به حضور نظامیان در کارخانه‌ها و واحدهای نفتی، تهدید به استعفای دسته‌جمعی کردند.

سرانجام با ادامه اعتراض‌هایی مردمی به ویژه اعتصاب کارگران و کارکنان صنایع نفت، حکومت پهلوی سرنگون شد اما کارگران نتوانستند آترناتیو طبقاتی خود را در مقابل آترناتیوهای دیگر بوژوایی به مرکز تحولات سیاسی جامعه ببرند در نتیجه این انقلاب عظیم و دستاوردهای آن با سرکوب‌های وحشیانه حکومت اسلامی شدیداً سرکوب شد و این وضعیت تا به امروز ادامه دارد.

شایان ذکر است که از نخستین سال‌های فعالیت کمپانی نفت ایران و انگلیس، بر رعایت حقوق کارگران ایرانی در مقابل کارفرمایان کمپانی نفت تاکید شده بود، اما این‌گونه اعتراضات محدود و بدون نتیجه بود و سرانجام وضع معیشتی کارگران و خواسته‌های آنان به اعتصابات در مناطق نفت‌خیز منجر شد.

حرکت‌ها و اعتصاب‌های نخستین کارگران صنعت نفت توسط کارگران هندی شرکت نفت در سال ۱۲۹۹ شمسی و بعد از آن با همراهی کارگران ایرانی در سال ۱۳۰۱ شمسی روی داد. افزایش دستمزد از خواسته‌های اصلی اعتصاب‌گران بود که با بخشی از آن موافقت شد اما در ادامه ۲۰۰۰ نفر از کارگران هندی را از شرکت نفت ایران اخراج کردند. با توسعه و گسترش فعالیت‌های شرکت نفت و افزایش تعداد نیروی کار، تشکلهای کارگری در مناطق نفت‌خیز شکل گرفتند. کارگران در ۱۳۰۸ شمسی در اعتراض به شرایط وخیم اقتصادی، اعتصاب دیگری را سازمان‌دهی کردند که منجر به اخراج و زندان و تبعید برخی اعتصابیون شد. با برکناری رضاشاه توسط متفقین در شهریور ۱۳۲۰ شمسی، مبارزات کارگری نیز شدت گرفت. از اردیبهشت ۱۳۲۵ اعتصابی آغاز شد که در آبادان در اعتراض به اخراج نماینده کارگران شاکی کارگاه تعمیر لوکوموتیو صورت گرفت و در آغاچاری یکی از بزرگترین اعتصابات کارگران نفت شکل گرفت. تعداد این اعتصاب‌گران دو تا ده هزار نفر ذکر شده است. در تیرماه سال ۱۳۲۵ شمسی در خوزستان، دومین اعتصاب بزرگ سال، که هم گسترده‌تر از اعتصاب آغاچاری بود و هم تأثیرات بیشتری داشت، رخ داد که خونین‌ترین اعتصاب بود. پس از اعتصابات ۱۳۲۵، فعالیت‌های اعتراضی کارگران نفت با رکود همراه می‌شود تا اواخر دهه بیست و در آستانه ملی شدن نفت که دوباره سر برمی‌آورد.

آب و هوای نفس‌گیر خوزستان و تاثیر آن بر زیست و زندگی مردم

خوزستان روی دریایی از نفت و گاز خوابیده است اما اکثریت شهروندان این استان در فقر مطلق زندگی می‌کنند. همچنین کارگر صنایع نفت و گاز ایران سابقه طولانی در مبارزه و حق‌طلبی دارند. مناطق جنوبی ایران که بیش‌ترین حقوق دریافتی کارگران و کارمندان وزارت نفت مربوط به شاغلان در این جغرافیا است، از نظر آب‌وهوایی جزو مناطق گرم و خشک و بد آب‌وهوای ایران و جهان به شمار می‌رود. این مناطق عمدتاً بیابانی یا با پوشش گیاهی و طبیعی کم‌اند. دمای هوای این مناطق در تابستان تا ۶۰ درجه و در سایت‌های صنعتی تا ۶۵ درجه افزایش می‌یابد و میزان رطوبت تا حد ۹۰ درصد است. دمای هوا در این مناطق کم‌وبیش هفت ماه از سال با وجود آلودگی‌های صنعتی و شیمیایی و گردوخاک چنین وضعی دارد. به‌جز کارگران و کارمندان عملیاتی در مناطق نفت‌خیز جنوب و حفاری که کار در بیابان و دور از خانواده بیش از نیمی از ماه با همه آسیب‌های آن کمترین آورده شغلی آنان است، کارمندان شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی نیز حداقل هفت ماه از سال را در این مناطق در چنین شرایطی به سر می‌برند. حوادث ناشی از کار اعم از انفجار، سقوط و آلودگی شیمیایی در کنار خطرات سلامتی کارکنان تحت تأثیر گرما، استنشاق شغلی، گردوخاک و عوارض آلودگی‌های شیمیایی از معمول‌ترین مسائل در این مناطق است. بنا به گفته شاهدان عینی و بر آمار سازمان‌های بهداشتی صنعت نفت بیش از نیمی از این کارکنان در آستانه ۴۰ سالگی با فرسودگی شغلی و عوارضی مانند کبد چرب درگیرند. مشکلات ریوی و تنفسی، عصبی، گوارشی و بیماری سرطان آنچنان میان کارمندان وزارت نفت در جنوب و سایر مناطق در سنین میان‌سالی معمول است که اگر از مدیران درمانی بیمارستان‌های تخصصی در شیراز، تهران و اصفهان درباره متوسط آمار مراجعه‌کنندگانشان پرسید، بدون شک کارکنان صنعت نفت و گاه خانواده‌های آنان جزو مهم‌ترین مراجعان این مراکز درمانی معرفی می‌شوند.

جدا از این مسائل، طبیعی است که هزینه‌های زندگی و اقامت در مناطق اشاره شده به دلیل محرومیت فراوان، بین ۴۰ تا ۷۰ درصد از هزینه‌های زندگی در شهرهای برخوردار مانند شیراز، اصفهان، همدان و حتی تهران و ... بالاتر است.

کارکنان وزارت نفت به نسبت سایر وزارتخانه‌ها از جمله نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت و معدن و تجارت و بهداشت از بدو استخدام تا زمان بازنشستگی از لحاظ پایه حقوق کمترین میزان را دارند. کارگران و کارکنان این صنعت در رده‌های مختلف تحصیلی از دیپلم تا دکترا و رسمی و پیمانکاری سال‌ها است که به این موضوع اعتراض می‌کنند. کارگران و کارمندان نفت در رده‌های مختلف از دیپلم تا دارندگان مدرک دکترا پس از گذراندن آزمون‌های سراسری بسیار سخت‌گیرانه و فیلترهای هوش، استعداد و توان جسمی متعدد جذب می‌شوند. صنعت نفت در ایران تنها وزارتخانه‌ای است که در آن به دلیل حساسیت بالای بهره‌برداری و برخورداری از سیستم جذب و نگهداشت قدیمی و قوی، کمترین فرصت برای استخدام و جذب رانتهی در رده‌های کارشناسی در آن وجود دارد.

مطالبات کارگران نفت و گرانی و تورم روزافزون و کمرشکن

از سال‌های قبل از انقلاب، وزارت نفت به مزایا و تسهیلات بازنشستگی بالای آن شهره بود اما در دهه‌های گذشته، سیاست دولت‌ها صندوق بازنشستگی نفت را با شرایط خصوصی‌سازی بی‌ضابطه و استفاده از منابع آن، در وضعیت ورشکستگی قرار داده است. خدمات درمانی کارکنان بازنشسته بعضی شرکت‌های تابعه خصوصی قطع شده است و کم شدن چشمگیر مزایای بازنشستگان بخشی از آثار این وضع است.

کارمندان نفت امروز نه تنها دیگر امنیت شغلی ندارد، بلکه با مصوبه وزیر نفت مبنی بر این‌که وزارتخانه در قبال کارکنان دولتی شاغل در آن سازمان هیچ مسئولیتی ندارد، خود و خانواده‌هایشان آشفته و سردرگم شده‌اند.

تجمع گسترده سالیان گذشته کارگران و کارکنان وزارت نفت اعم از رسمی، قرارداد مستقیم، پیمانکاری و روزمزد در نقاط مختلف ایران و نامه‌های آنان به رییس‌جمهور و وزیر نفت و پیگیری‌های نمایندگان مجلس در خصوص بی‌سروسامانی چند ۱۰ هزار کارمند این وزارتخانه در سراسر ایران بازتاب دهنده بخشی از این شرایط است.

یک سال بعد از آن اعتراض‌ها افزایش دستمزد سال ۱۳۹۹ به میزان ۱۵ درصد تصویب شد. اما نمایندگان تشکلهای کارگری وابسته به دولت صورت‌جلسه نهایی را امضاء نکردند.

فرامرز توفیقی، نماینده کارگران در شورای عالی کار حکومت با اعلام این‌که «پرونده دستمزد ۹۹ بسته نشده است.» ورود به بحث دستمزد در سال ۱۴۰۰ را تا مشخص نشدن افزایش حقوق سال ۹۹ بی‌فایده دانست.

در میان جدل‌های بی‌حاصل و نمایش‌های سیاسی، کارگران که سال ۹۹ برای آن‌ها سالی شوم و هولناک از نظر اقتصادی بود، به‌خوبی احساس می‌کنند که در سال ۱۴۰۰ سفره خانوار خالی‌تر از قبل شده است.

با افزایش لجام گسیخته قیمت مواد غذایی در ایران، بسیاری از مردم ضمن کاهش تقاضای مواد غذایی خود، به تغییر الگوی غذایی و سبد خرید کالاهای اساسی خویش اقدام کردند.

قاسمعلی حسنی، دبیر اتحادیه بنکداران مواد غذایی در ایران، روز جمعه ۴ تیر ۱۴۰۰، در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا»، با تاکید بر کاهش قدرت خرید مردم گفت: «به طور کلی نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۳۵ درصد کاهش تقاضای مواد غذایی را تجربه کردیم. افزایش افسانه‌وار قیمت‌ها در سه سال گذشته که ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد بوده است، باعث کاهش قدرت خرید مردم شده است.»

حسنى ضمن اشاره به تغيير الكوى خريد مواد غذايى بيان كرد: «بيشتر اقشار آسيب‌پذير مصرف برنج خود را كاهش داده و به كالاهائى ارزان قيمت‌ترى مانند ماکارونى روى آورده‌اند. بنابراين مى‌توان گفت در اين شرايط نوع، الكوى تغذيه و خريد مواد غذايى تغيير مى‌كند.»

او نقش گراني‌هاى فراينده در تغيير الكوى غذايى مردم ايران را با اهميت دانست و افزود: «وقتي برنج نسبت به دو سال گذشته ۲۰۰ درصد گران مى‌شود مردم نوع تغذيه خود را كمتر كرده تا هزينه كمترى كنند و بهرهورى بيش‌ترى داشته باشند.»

حسنى با بيان اين كه «قيمت برنج خارجى در بازار از ۱۹ هزار تومان تا ۲۴ هزار تومان در نوسان است»، به افزايش قيمت روغن اشاره كرد و گفت: «با افزايش ۳۵ درصدى روغن از اوایل خرداد، تقاضاى خريد از طرف مردم نيز كاهش پيدا كرد.»

پيش از اين مركز آمار ايران، در گزارش ماهانه خود خبر داد كه نرخ تورم خردادماه در مقايسه با دوره مشابه سال گذشته ۴۳ درصد افزايش يافته است. اين رقم بالاترين ميزان تورم سالانه در ايران در ۲۵ سال گذشته است. بر اساس گزارش مركز آمار ايران، تورم نقطه‌اى در خرداد ۱۴۰۰ روند افزايشى گرفته و به ۶/۴۷ درصد رسيده است.

در ارقام جديد مركز آمار ايران از تورم اقتصادى در کشور، بالاترين نرخ تورم به گروه عمده «خوراكي‌ها، آشاميدنى‌ها و دخانيت» تعلق دارد.

پيش‌تر عبدالناصر همتى، رييس پيشين بانک مרכזى ايران و نامزد شكست خورده انتخابات اخير، هدف تورمى بانک مרכזى را ۲۲ درصد اعلام كرده بود. اما نرخ تورم اعلام شده از سوى مركز آمار ايران، دو برابر رقم هدف‌گذارى شده از سوى بانک مרכזى است.

بى‌ترديد در مقابل چنين وضعيت فلاكت‌بار اقتصادى بسيارى از خانواده‌هاى كارگرى آسيب‌هاى سخت ديده‌اند. در مقابل تهاجم سرمايه‌داران و حكومت حامى سرمايه، كارگران ايزارى جز اتحاد و همبستگى طبقاتى و اعتراض و اعتصاب ندارند. حكومت حامى سرمايه‌دارى براى حفظ منافع سرمايه‌دارى و حاكميت به انواع و اقسام ترفندها و سناريوهاى سياه متوسل مى‌شود تا جنبش كارگرى را فلج كند: از سرکوب و زندانى كردن فعالين و نمايندگان كارگران تا اخراج و... به گفته فعالين كارگرى از اواخر سال ۱۳۹۵، دست‌كم براى ۷۲ تن از كارگران فولاد اهواز، ۱۱۲ پرونده در دادگاه‌ها تشكيل شده است كه اغلب اين پرونده‌ها همچنان باز است. كارگرى ۲ يا حتى ۵ بار احضار و يا بازداشت شده و همچنان پرونده باز دارد. اين پرونده‌ها جز ايجاد يك اهرم فشار بر كارگران، معنى ديگرى ندارد.

وضع كارگران و به طور كلى همه مزدگيران قبل از همه‌گيرى اپيدمى كرونا در ايران با شيوع كرونا در ايران، بسيار وخيم بود از جمله اخراج‌سازها و تعديل نيروى كار در جريان بود. اين وضعيت پس بحران كرونا شديدتر و بدتر شد. بسيارى از كارگران يا شغل خود را از دست داده‌اند يا به دليل كمى دستمزدها و افزايش قيمت‌ها، توانايى تامين مايحتاج اوليه خانواده‌هاى خود را ندارند.

بر اساس برخى گزارش‌هاى منتشرشده در شبكه‌هاى مجازى، كارگران اعتصاب كننده با برگه تصفيه حساب يا همان اخراج مواجه شده‌اند.

از سال ۱۳۹۲ قرار بود طرح طبقه‌بندي مشاغل اجرا شود و دستمزد كارگران افزايش يابد اما اين اقدامات تاكنون انجام نشده است.

سرکوب‌ها و بحران‌های جمهوری اسلامی

تاکنون، سیاست جمهوری اسلامی در قبال اعتراض‌های کارگری، سیاست بی‌توجهی و و تفرقه‌اندازی و چماق بود؛ از یک سو برخورد شدید امنیتی و قضایی از جمله تیراندازی به کارگران خاتون‌آباد یزد در نیمه نخست دهه ۸۰ و از سوی دیگر دادن وعده و وعید به کارگران و تحقق بخشی از مطالبات آن‌ها.

در عین حال، با وجود تهدیدات و برخوردهای شدید امنیتی و قضایی با کارگران و فعالان کارگری و صنفی مانند اخراج و صدور احکام زندان و شکنجه، اعتراض‌های کارگری به‌ویژه در دو سال گذشته شدت گرفته است.

اکنون به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی در مقابله با این دور از اعتراض‌ها و اعتصابات در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی برخورد شدیدی را از جمله با اخراج ۷۰۰ کارگر پروژه‌ای پالایشگاه نفت تهران در پیش گرفته است.

بازنشستگان تامین اجتماعی، کارگران صنایع مخابراتی، برق و گاز هم از دیگر بخش‌هایی‌اند که پیش‌تر گزارش‌هایی از اعتصاب و اعتراض در آن‌ها منتشر شده بود.

در این اعتراض‌ها، شعارهایی علیه شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز داده می‌شد، انتخاباتی که برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی با مشارکت زیر ۴۰ و در تهران ۲۶ درصدی مردم مواجه شد و جالب است که از شرکت‌کنندگان نیز نزدیک به چهار میلیون نفر هم رای باطله دادند.

بسیاری از کارگران در دوره شیوع کرونا یا شغل خود را از دست داده‌اند یا به‌دلیل افزایش قیمت‌ها قادر به تامین معاش خود و خانواده نیستند.

مقام‌های حکومت از جمله علی ربیعی، سخنگوی دولت، نیز به نارضایتی از اوضاع اقتصادی اقرار کرده و گفته که یکی از دلایل استقبال نکردن مردم از انتخابات همین موضوع بوده است.

با این‌همه، در کنار این نوع برخوردهای خشونت‌آمیز، همانند سابق تلاش‌هایی نیز برای ایجاد تفرقه در بین کارگران مناطق مختلف از طریق دادن وعده‌ها و یا تحقق برخی از مطالبات کارگران نیز انجام می‌دهد.

البته این سیاست را فعالین کارگری به خوبی می‌شناسند و به همین دلیل همانند گذشته، موفقیت چندانی برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت. به‌ویژه که افزایش نرخ تورم، روند گرانی‌های روزافزون، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، بیکاری گسترده و... زندگی اکثریت شهروندان ایران به ویژه جامعه کارگری و تهی‌دستان و خانواده‌های آن‌ها را به‌شدت آسیب‌پذیر کرده و آنان راهی جز اعتراض و اعتصاب و عبور از کلیت جمهوری اسلامی در مقابل خود نمی‌بینند.

در ماه‌ها و هفته‌های اخیر اعتراض‌ها محدود به کارگران پیمانی و پروژه‌ای نبوده است زیرا ده‌ها هزار تن از کارکنان رسمی شرکت ملی نفت ایران در اعتراض به شرایط معیشتی بی‌بانی‌هایی صادر کرده و تجمع‌هایی برگزار کرده‌اند.

این نخستین بار پس از انقلاب ۱۳۵۷ است که اعتراضات کارگران و کارکنان وزارت نفت به صورت متشکل انجام می‌گیرد. تشکیل شورایی با عنوان «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» می‌تواند نقطه عطفی در اعتراضات کارکنان صنعت نفت باشد؛ همچنین می‌تواند مسیری تازه در تلاش جامعه کارگری در ایران برای رسیدن به حقوق خود ایجاد کند تا متحد و هم‌زمان خواسته‌های خود را پیگیری کنند.

گسترش اعتصاب و حامیان آن

روزبه‌روز همبستگی و اتحاد با کارگران اعتصابی گسترش می‌یابد. در روزهای پنج‌شنبه و جمعه شرکت‌های بیشتری به این اعتصاب سراسری پیوستند که از جمله می‌توان به شرکت‌های پیمانکاری زلال پالایشگاه اصفهان، پیمانکاری

جهان پارس ایلام، تلمبه خانه شماره ۵ بندرعباس، رادیوگراف نیروگاه بیدخون، شرکت دریا ساحل جفیر، نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم، اورهال ۱۵ و ۱۶، پتروپالایش کنگان و شرکت پیشرو صنعت در پتروپالایش آدیش، اشاره کرد. این اعتصاب به دنبال فراخون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت آغاز شده و یک «اعتصاب اختطاری» است که قرار است یک هفته به طول بیانجامد. شورای سازماندهی این اعتراضات اعلام کرده است که از کارگران پیمانی و پروژه ای از روز نهم تیر ماه به اعتصاب کارگران رسمی نفت خواهند پیوست. اعتصاب کارگران رسمی نفت قرار است از روز ۹ تیر ماه آغاز شود.

تعدادی از آموزگاران شاغل و بازنشسته با صدور بیانیه‌ای از اعتصاب کارکنان پیمانی صنعت نفت حمایت کردند. در این بیانیه آمده که «سال‌هاست کارگران زحمتکش اعتراضات خود را مبنی بر کمی دستمزد که معیشت خانواده‌های آن‌ها را در این شرایط بد اقتصادی با بحران روبه‌رو ساخته است، به صورت مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت در قالب تجمع، تحصن و ارائه طومارهای ناراضی‌تی به گوش مقامات و حاکمیت رسانده‌اند، اما کارگران هیچگاه با پاسخ مناسب روبرو نشده‌اند و بجای توجه به وضعیت معیشتی آنان متأسفانه بارها مورد سرکوب قرار گرفته‌اند.» بخش دیگری از این بیانیه افزوده که «وضعیت امروز کارگران و تمام زحمتکشان نتیجه اعمال سیاست‌های ارزان‌سازی نیروی‌کار و خصوصی‌سازی است که در آن شرکت‌های پیمان‌کاری بیش‌ترین سود را می‌برند و فقر و فلاکت را به اکثریت جامعه تحمیل می‌کنند سیاست‌هایی که فراتر از کارگران کارخانه‌ها، تبعیض و ستم بر نیروهای کار آموزشی و درمانی و حوزه خدمات را تحمیل نموده است.»

آموزگاران شاغل و بازنشسته افزوده‌اند که «بهره‌مندی از دستمزد مناسب، معیشت مناسب، آموزش رایگان و باکیفیت کودکان، فراهم نمودن امکانات بهداشتی مناسب در محیط کار و مطالبات کمپین «اعتصاب ۱۴۰۰» که جزئیات آن در کمپین از سوی کارگران مشخص شده را حق مسلم کارگران معترض می‌دانیم و باور داریم دفاع از حقوق قانونی و انسانی کارگران شریف و زحمتکش یک وظیفه عمومی است و به تمام افشار اجتماعی برای همبستگی و حمایت از کارگران فراخوان می‌دهیم بی‌شک راه موفقیت و پیروزی در اتحاد و همبستگی جمعی است.»

پیش از این خانواده جان‌باختگان آبان ۹۸ از این اعتراضات حمایت کرده بودند. در همین حال، گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، نیز در پیامی از این اعتصابات سراسری حمایت کرد. وی با اشاره به ابراهیم رئیسی نوشت که مقامات جمهوری اسلامی «با انتصاب فردی معلوم‌الحال» و «خالی از درایت و علم و سیاست» بر مسند بالاترین مقام اجرایی جمهوری اسلامی تلاش دارند تا «با ایجاد رعب و وحشت و سرکوب خشن ما مردم را به سکوتی اجباری فرو برند، اما زهی خیال باطل.»

مادر این کارگر و بلاگ‌نویس جان‌باخته زیر شکنجه با اشاره به تحریم انتخابات نوشت: «حاکمیت اسلامی سیلی محکم و قدرتمند مردم را هنوز دریافت نکرده، نتیجه فراخوان «نه به انتخابات» و «رای بی‌رای» تنها مثنی بود نمونه خروار.»

گوهر عشقی تاکید کرد: «از همه کارگران چه روزمزد، قراردادی، رسمی خاضعانه درخواست دارم که در برابر این بی‌عدالتی‌ها و جنایات ضد مردمی میهنی مقاومت نمایند... از اخراج فردی و دسته جمعی نهراسید، افرادی که باید اخراج و در نتیجه از محاکمه خویش در هراس باشند، کسانی هستند که مملکت ما را اشغال اشغال درآورده و به سوی نابودی کشانده و هویت و اصالت ما را خدشه‌دار کرده‌اند.»

روزنامه‌هایی مانند کیهان و خبرگزاری‌هایی نظیر فارس، نه تنها اعتصاب و اعتراض و مطالبات کارگران را سانسور می‌کنند بلکه خبرها و شایعات دروغ نیز منتشر می‌کنند تا این اعتصاب را به شکست بکشانند و یا این حرکت عظیم کارگری را کم‌رنگ جلوه دهند.

هنوز صدا و سیما و رسانه‌های دیگر حکومت درباره آن به سیاست سکوت خود ادامه می‌دهند و این در حالی است که فضای مجازی و تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از کشور بی‌وقفه خبرهای این اعتصاب را همراه با مصاحبه با کسانی که به عنوان کارشناس دعوت می‌کنند پوشش می‌دهند.

در همین حال، فدراسیون سندیکای جهانی اینداستریال که بیش از ۵۰ میلیون کارگر صنعتی در صنایع اتومبیل‌سازی، فولاد، نفت و پتروشیمی و نساجی در کشورهای سراسر جهان را نمایندگی می‌کند، در بیانیه‌ای اعلام کرد که در کنار کارگران اعتصابی، تا تحقق خواسته‌های‌شان خواهد ایستاد.

علاوه بر این، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، شورای بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان و جمعی از معلمان ایران در بیانیه‌هایی از این اعتصاب حمایت کرده‌اند.

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد از اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت حمایت کرده است و...

جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توانیم تاکید کنیم که کارگران قراردادی قرارداد موقت نفت در کل صنعت نفت، ۳۴ هزار نفر است از عدم تبدیل وضعیت خود و تبعیض موجود در وزارت نفت انتقاد دارند.

یک نیروی قرارداد موقت نفت در ارتباط با تبعیض آشکار و نهادینه شده در محیط‌های کاری به ایلنا گفته است: دریافتی من با همه متعلقات و مزایای مزدی حدود ۶ میلیون تومان است اما معادل رسمی من، ۲۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرد؛ ۶ میلیون تومان کجا، ۲۲ میلیون تومان کجا؟ اختلاف موجود، بسیار فاحش و آزاردهنده است؛ این در حالی‌ست که بیشتر شیفت‌ها و مسئولیت‌های حساس بر دوش ما قراردادی‌هاست؛ رسمی‌ها خیال‌شان بابت آینده و امنیت شغلی راحت است و عموماً نگرانی چندانی برای کار ندارند. همه کارهای سنگین بر دوش ماست و این سنگینی کار، سنگینی نه سال پلاتکلیفی را مضاعف کرده است.

از بین نیروهای قراردادی نفت، ۱۲ هزار و ۵۰۰ نفر مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر دارند؛ در بین آن‌ها تعداد زیادی فوق لیسانس و دکترا هستند.

در شرایطی که تشکلهای مستقل کارگری سراسری در ایران ممنوع است باعث شده سازمان دادن اعتصاب‌های سراسر و متحدانه دشوار باشد. اما سازماندهی اعتصاب فقط کار تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری نیست. نارضایتی عمومی در جامعه امروز ایران آنقدر زیاد و وسیع است که کمتر قشری از اهمیت این‌که «باید کاری کرد» غافل است. لازمه کمپین‌هایی مثل اعتصاب اما سازماندهی و داشتن هدف‌های مشخص است. چگونه می‌توانیم از تظاهرات پراکنده به هدف‌های مشخص و سازماندهی حرکات منظمی مثل اعتصاب برسیم؟ این کار نیازمند فعالینی است که پلاتفرم‌های دموکراتیک مشخصی ارائه کنند. این پلاتفرم‌ها می‌توانند در اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها و گردهمایی‌های مردم معترض در اماکن کار، محل زیست و زندگی، میدان‌ها، خیابان‌ها و... با صدای بلند و رسا فریاد زده شوند و توسط مردم به بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر گذاشته شوند. آن موقع است که کف خیابان‌ها به بحث پلاتفرم‌هایی خواهد شد که مورد

توافق عمومی مردم باشند. با توجه به ماهیت این اعتراضات هدف این پلتفرم‌ها باید سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی و همچنین ماهیت استبدادی جمهوری اسلامی را هدف بگیرد.

اعتراضات کنونی شاید با سرکوب و یا وعده‌های دروغین خاتمه بیابند و شاید ادامه پیدا کنند. حضور در خیابان بروز خشم و نمایش قدرت مردم معترض است، اما به خودی خود استراتژی کافی برای پیروزی نیست. آن هم در مقابل حکومت سرکوبگری مانند جمهوری اسلامی که از کشتن مردم بیمی ندارد. در فقدان نیروهای سیاسی سازمان‌یافته اپوزیسیون، قدم‌های پیش رو را می‌توان با حصوص فعالین و چهره‌های سرشناس جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران که خواست‌های مشخصی را اعلام کنند و با پافشاری بر آن‌ها و بهرمگیری از قوی‌ترین اهرم موجود برای رسیدن به این خواسته‌ها یعنی اعتصابات کارگری و در نهایت اعتصاب عمومی است که کل حاکمیت را به عقب‌نشینی وادار سازد.

در این موقعیت حساس، ضرورت دارد که از هر طریق ممکن و با تمام قدرت و نیرو از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی و اعتصاب و اعتراض کارگران نفت و سایر بخش‌های کارگری قاطعانه حمایت کرد! و همه بخش‌های کارگری، دانشجویان و جوانان، زنان، فعالین زیست محیطی، معلمان، بازنشستگان، مردم تحت ستم مناطق محروم کشور، به‌ویژه مردم ساکن در مناطق نفتی را به حمایت همه‌جانبه از مبارزات کارگران نفت دعوت کرد.

در طی چنین مسیریست که می‌توانیم به یک موقعیت شور و شوق اعتلای انقلابی برسیم و با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی، آن فضای آزاد و برابر و عادلانه را به وجود آوریم و با انتخابات آزاد و دموکراتیک و مستقیم شوراهای خود را برای اداره جامعه سازمان‌دهی کنیم!

شنبه پنجم تیر [سرطان] ۱۴۰۰ - بیست و ششم جون ۲۰۲۱